

بسم الله الرحمن الرحيم

علی(ع): بالاترین مرگها شهادت است.  
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرصُومٌ. (قرآن کریم [سوره صف آیه 4])  
 (همانا خدا دوست می دارد کسانی را که در راه او صف زده، گویا ایشانند بنیانی ساخته شده)

با سلام بر امام زمان(عج)، رهبر انقلاب، رزمندگان، شهداء و شما ملت شهید پرور؛  
 هر بار که عملیاتی می شود چندین نفر از یاران امام از جمع رزمندگان به سوی معشوق رهسپار میشوند و دعایشان که اول  
 پیروزی بر دشمن و بعد شهادت است مستجاب می شود. دعای ما نیز این است و حال نمیدانم که در این عملیتهای آخرین  
 آیا خداوند رحمان دعای این عبد منان و ذلیل را مستجاب می کند یا نه.

بلی این راهی است رفتنی و همگی باید از این گذرگاه و این کاروان که دنیاست عبور کنند، با توشه هایی که خودشان  
 برداشته اند و کشتی که روی این مزرعه انجام داده اند، باید رفت و هیچ تردیدی در آن نیست. حالا که باید برویم چه  
 بهتر از اینکه در راهی خوب قدم بگذاریم و در آن برویم، ما که در این راه قدم گذاشته ایم امیدوارم که خداوند ما را  
 ثابت قدم بدارد و به برکت خون شهداء ما را نیز ببخشد. من از خدا می خواهم که مرگ مرا شهادت و در راهش از من  
 قبول بفرماید و ما را در جوار رحمتش با شهدای مخلص همراه بفرماید. این مسیر، مورد تأیید انبیاء و اولیاء خدا بوده و  
 امیدوارم که بتوانم خودم را در این مسیر حفظ کنم و نلغزم و از خدا میخواهم مرا ثابت قدم بمیراند.

مسئله ای که هست این است که این بدن برای روح انسان قفس است و روح ملکوتی انسان در آن زندانیست و این بدن  
 است و دست ماست که چگونه آنرا بکار ببریم، آیا او را در راه صاحبش تعلیم دهیم و یا دشمنش که هوای نفس و شیطان  
 است و بعد از تعلیم با مرگ است که قفل این قفس شکسته شده و روح انسان پرواز می کند، به سوی رب و حال مانده است  
 برداشت بذری که در این دنیا کاشته ایم، خوب کاشته ایم که موقع برداشت خوب برداشت کنیم و یا بد کاشته ایم که  
 مطابقش برداشت کنیم.

میخواستم سخنی هم با ملت داشته باشم اما می بینم که فهم ملت بالاتر از سخنان من است و بالاتر از صحبتی که من می  
 کنم ولی بخاطر یادآوری چند کلمه ای میگویم همانطور که دیگر شهدای عزیز ما در وصیتنامه های خود ذکر کرده اند و  
 همانگونه که شما به آن عمل می کنید این است که مواظب منافقین داخلی باشید و نگذارید آنها پا روی خون شهدای ما  
 بگذارند و ثمره خون شهدای ما را پایمال کنند و همانگونه که تا به حال ثابت قدم بوده اید از این به بعد نیز پا در رکاب

باشید.

عرضی هم با خانواده دارم و این است که خوشحال باشید، توانستید هدیه ای یا بهتر است بگوییم امانتی که خدا بدست شما داده است، به نحو احسن تربیت کرده و به راه خدا رهسپار کنید و امانت او را پس دهید. اگر می خواهید فغان و زاری کنید در فقدان من، من حرفی ندارم اما شما کمی فکر کنید آیا خون ما از خون امام حسین(ع)، حضرت علی اکبر(ع)، 72 تن از یاران عاشورا و یاران حسین(ع) رنگین تر است؟ از آنها بگذریم چون به پای آنها نمی رسیم آیا خون ما از شهدای عملیاتهای قبل رنگین تر است؟ چگونه آنان در راه حق فدا شدند ما هم مثل آنها و از آنها کمتر، از این که بگذریم آیا شما از زینب(س) بالاترید آیا از فاطمه زهرا(س) بالاترید آیا از مادران و پدران دیگر شهدای ما بالاترید، چطور آنها در فقدان عزیزانشان صبر می کنند و شکوه و شکایت را برای آخرت می گذارند؟ در آنجا به شکایت قوم ظالم برخیزید شما نیز دل خود را پهلوی دل آنها بگذارید و خود را مانند آنها کنید اجر و ثوابش بیشتر از ناله و گریه و زاری کردن است. از شما می خواهیم مرا عفو کنید زیرا نتوانستم آنطور که شما می خواستید باشم امیدوارم که مرا ببخشید. در ضمن لازم است که بگوییم برای من نماز قضا بخوانید و تعداد 18 روزه قضا دارم که اگر موفق نشدم بگیرم شما بگیرید.

دیگر عرضی که قابل گفتن باشد ندارم فقط از شما می خواهیم که امام امت را تنها نگذارید و از خدا می خواهیم که امام امت را تا ظهور حضرت حجت(عج) حفظ کند. رزمندگان اسلام را پیروز فرماید، ظهور امام زمان(عج) را نزدیک فرماید و اسلام را در سراسر جهان با نابودی کفر رایج بگرداند. آمین یا رب العالمین.

در قاموس شهادت واژه ای بنام وحشت نیست.  
از همگی می خواهیم که اگر بدی از ما دیدید عفو نمائید.  
(خدایا خدایا تو را به جان مهدی تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار)

حاج یونس زنگی آبادی

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران آیه 169)  
آنانکه در راه کشته شده اند مرده نپندارید بلکه آنان زنده اند و در نزد خدا ایشان روزی می خورند.  
اگر با کشتن من اسلام باقی می ماند پس ای شمشیرها مرا فرا گیرید. امام حسین(ع)

بنده حقیر این سعادت بزرگ را در وجود نمی دیدم ولی وقتی به مهربانی و بخشندگی خداوند می نگرم، امیدوار می شوم. امیدوارم که خداوند ما را در زمره شهداء قرار دهد. چون وقت ندارم و همه دوستان تجهیزات بسته اند و آماده رزم با صدام جنایتکار هستند لذا چند جمله ای به عنوان وصیت نامه برای خانواده ام می نویسم.

اول کلمه ام این است که ان شاءالله مرا می بخشند و مرا حلال می کنید، ای مادر مهربان ان شاءالله که زحمات و تلاشهایی را که برای بزرگ کردن و با سواد کردن من کشیدید را به من می بخشید و حلال می کنید. امیدوارم که در پیشگاه حضرت زهرا(س) در قیامت بگوئید که من هم دین خود را نسبت به اسلام اهداء کردم. از عیال می خواهم که مرا ببخشند اگر حرف بدی از من شنیده و کار بدی از من دیده مرا حلال کند و یک خواهش از ایشان دارم که پسرمان(مصطفی) را همچون مادر قاسم بن الحسن (بزرگ، تربیت، با ادب و با سواد سازد) و در زمان نیاز او را جهت مبارزه با دشمنان اسلام بفرستید. از پدر و مادر عیال و برادرم و خواهرم می خواهم که مرا حلال کنند و اگر خطایی، بی ادبی یا اشتباهی از من دیده اند مرا حلال کنند. همسر من خانه ای که در اختیار دارم را تا زمانی مادر من زنده هستند این خانه از خودشان می باشد و از این خانه سهمیه ای جدا گانه دارند و زمانیکه در حیات نباشند در اختیار خانواده ام قرار می گیرد انشاءالله در حقوقی که برایم می گیرند وامهای مرا بپردازید و بدهکاریهای من به شرح زیر می باشد:

1. هفتصد تومان نذر مادر سید مهدی کردم که مادر شفا پیدا کنند آن را بپردازید.
2. هزار و دوست تومان پول بیت المال از من می خواهد آن را بپردازید.
3. یک عدد اسلحه کلاشینکف و یک عدد اسلحه کمری دارم در صورت شهادت تحویل برادر آقای حاج قاسم سلیمانی بدهید.
4. اگر پول یا بودجه ای پیدا کردید به اندازه سه ماه نماز قضا به اندازه پانزده روز روزه قضا برایم بخرید.

دیگر بدهکاری ها را که خودتان بهتر می شناسید.  
والسلام

برادر حقیر شما، یونس زنگی آبادی، شب عملیات ساعت 9 شب